



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۱۸	تاریخ	۱۴۰۴/۰۳/۰۷
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول لفظیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

نسبت خبر با اصول لفظیه فوقانی

بحث ما به اینجا رسید که نسبت بین خبری که وجوب عمل به آن با علم اجمالی ثابت شده است، با عمومات و اطلاقات فوقانی، چه می شود. تا کنون بحث ما در نسبت بین خبر و اصول عملیه بود. در اینجا بررسی کردیم که آیا فرقی هست میان اینکه حجیت خبر را با دلیل حجیت اثبات کنیم یا وجوب عمل به آن را با علم اجمالی ثابت نماییم و آیا در نتیجه نسبت سنجی میان خبر و اصل عملی، تفاوتی میان این دو شیوه اثبات وجود دارد یا خیر.

اکنون به بحث دوم، یعنی نسبت بین خبر و اصول لفظیه می پردازیم؛ مقصود از اصول لفظیه در اینجا، اطلاقات و عمومات کتاب و سنت است. بحث سوم که بعداً خواهد آمد، نسبت بین خبر و خبر دیگر است. در این بحث دوم، می خواهیم نسبت بین خبری که با علم اجمالی ثابت شده را با اطلاقات و عمومات فوقانی، یعنی آن دسته از عمومات و اطلاقاتی که با کتاب و سنت قطعی الصدور ثابت شده اند، بررسی کنیم.

دیدگاه مرحوم آخوند: تقدم عمومات و اطلاقات بر خبر ثابت با علم اجمالی

مرحوم صاحب کفایه و عده ای از محققین چنین گفته اند که نسبت در اینجا روشن است. آن عمومات و اطلاقات، مانع از تنجیز آن خبری هستند که با آنها تعارض دارد. در حقیقت، آن عمومات و اطلاقات، علم اجمالی ما را که به واسطه آن، لزوم عمل به این خبر را اثبات کرده ایم، از اساس منحل می کنند. این علم اجمالی نمی تواند در مقابل اطلاقات و عمومات لفظیه ای که قطعی الصدور هستند، مقاومت کند.

توضیح آنکه: ما علم اجمالی داریم به اینکه تعدادی از اخبار الزامی که به دست ما رسیده، مطابق با واقع هستند. حال، در مورد یک خبر خاص از این مجموعه، اطلاقی از کتاب یا سنت قطعی وجود دارد که با مضمون این خبر منافات دارد. البته

اگر اطلاق، موافق با خبر باشد، جای بحثی نیست. همچنین اگر حجیت خبر واحد با دلیل خاص حجیت ثابت شده باشد نیز بحثی نیست؛ زیرا در آن صورت، آن خبر، عمومات قرآنی را تخصیص و اطلاقات را تقیید می‌زند. کلام در جایی است که خبر با علم اجمالی ثابت شده؛ آیا این خبر نیز می‌تواند عمومات قرآنی را تقیید یا تخصیص بزند؟ این دیدگاه معتقد است که پاسخ منفی است. خبری که وجوب عمل به آن صرفاً با علم اجمالی ثابت شده باشد، نمی‌تواند مقید عمومات و اطلاقات قرآنی و همچنین اطلاقات و عمومات سنت قطعی باشد؛ زیرا حجیت اطلاق و عموم کتاب و سنت قطعی، مسلم است؛ سناً که قطعی الصدور هستند و دلالتاً نیز حجیت دارند. این حجیت قطعی، جلوی تنجیز آن علم اجمالی را نسبت به این مورد خبر معارض می‌گیرد. لذا، عمومات و اطلاقات مقدم می‌شوند.

اشکال بر دیدگاه مرحوم آخوند: وجود علم اجمالی به تخصیص عمومات

مرحوم آیت الله خویی رحمته الله علیه بر این بیان مرحوم صاحب کفایه و برخی دیگر از محققین، این ایراد را وارد کرده‌اند که این اطلاقات و عمومات کتاب و سنت، خودشان اجمالاً دارای مخصصات و مقیداتی هستند. ما علم اجمالی داریم که این عمومات و اطلاقات، تخصیص و تقیید خورده‌اند.

با وجود این علم اجمالی، اگر ما بخواهیم «اصالة الاطلاق» یا «اصالة العموم» را در یک مورد خاص - که با خبر مورد نظر ما تعارض دارد - جاری کنیم، این جریان با جریان همین اصل در سایر موارد مشکوک، تعارض پیدا می‌کند؛ زیرا ما اجمالاً می‌دانیم که این اطلاقات و عمومات، تخصیص‌ها و تقییدهایی دارند. پس وقتی در موردی شک می‌کنیم که آیا این اطلاق در اینجا جاری است یا خیر، اگر بخواهیم اصالة الاطلاق را جاری کنیم، در مورد مشکوک دیگر نیز باید همین کار را انجام دهیم و در مورد سوم نیز همین‌طور؛ در حالی که علم اجمالی داریم که اصالة الاطلاق یا اصالة العموم در برخی از این موارد، قطعاً جاری نیست؛ زیرا اجمالاً می‌دانیم مخصصی وجود دارد.

خلاصه اشکال این است: در موارد علم اجمالی به ورود مخصص یا مقید، نمی‌توانیم به اصالة الاطلاق یا اصالة العموم در یک مورد خاص تمسک کنیم؛ زیرا اگر بخواهیم در این مورد مشکوک، اصل لفظی را جاری کنیم، باید در موارد مشکوک دیگر نیز جاری کنیم. جریان اصل در تمام این موارد، با علم اجمالی ما به وجود مخصص و بطلان برخی از این جریان‌ها، در تعارض است. از طرفی، جاری کردن اصل در یک مورد و جاری نکردن در موارد دیگر، ترجیح بلامرجح است. در نتیجه، این اصول لفظی (اصالة الاطلاق‌ها و اصالة العموم‌ها در موارد مختلف) با یکدیگر تعارض کرده و تساقط می‌کنند. بنابراین، نمی‌توان به استناد اصالة الاطلاق یا اصالة العموم، خبر ثابت با علم اجمالی را کنار گذاشت.

پاسخ شهید صدر رحمته الله علیه به اشکال

استاد ما، مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه، پاسخی به این اشکال مرحوم خویی ارائه داده‌اند که برای روشن‌تر شدن، آن را در چند بند بیان می‌کنیم:

بند اول: وجود مخصصات و مقیدات قطعی معلوم

اینکه اطلاعات و عمومات قطعی الصدور کتاب و سنت، دارای مخصصات و مقیدات قطعی هستند، امری مسلم است. ما می دانیم که این عمومات، به وسیله مخصصات و مقیدات قطعی - اعم از قرآنی یا روایی - تخصیص و تقیید خورده اند. این یک واقعیت پذیرفته شده است.

مقدمه دوم: عدم علم اجمالی به وجود مخصصات زائد بر مقدار معلوم

نکته کلیدی این است که ما علم اجمالی نداریم که افزون بر آن مقیدات و مخصصات قطعی و معلومی که به دست ما رسیده و با آنها عمومات و اطلاعات را تخصیص زده ایم، مقیدات و مخصصات قطعی دیگری نیز وجود داشته باشد. اشکال مرحوم خویی بر وجود چنین علم اجمالی ای استوار بود، در حالی که ما چنین علم اجمالی ای نداریم.

بند سوم: تفکیک میان انواع مخصصات و عمومات

بله؛ ما مخصصات و مقیدات زیاد دیگری داریم؛ اما آن مخصصات، مربوط به عمومات و اطلاعات غیر قطعی الصدور - مانند روایات ظنی - هستند.

کلام در این است که آیا مخصصات و مقیدات قطعی الصدور برای عمومات و اطلاعات قطعی الصدور، بیش از آن مقداری هستند که به دست ما رسیده است یا خیر؟ ما علم نداریم که مقیدات و مخصصات قطعی این دسته از عمومات (آیات و روایات قطعی)، بیش از آن مقداری باشد که به صورت قطعی شناخته و معلوم ماست.

به عبارت دیگر، اگر می دانستیم که مخصصات و مقیداتی که قطعی هستند، بیش از آن مقداری هستند که به دست ما رسیده است، علم اجمالی ما بر حال خود باقی بود و موجب تعارض اصالة الاطلاق ها و اصالة العموم ها در عمومات آیات می شد؛ اما ما چنین علمی نداریم. بنابراین ما علم اجمالی نداریم به اینکه بیش از آنچه به دست ما رسیده، عمومات و اطلاعات آیات و روایات قطعی الصدور، تخصیص و تقیید خورده باشند.

بند چهارم (نتیجه): عدم تعارض اصول لفظیه و امکان جریان آنها

بنا بر مقدمات فوق، نتیجه این می شود که ما علم اجمالی به وجود مخصصات و مقیدات قطعی زائدی بر آنچه به دست ما رسیده است، نداریم. چون چنین علم اجمالی ای وجود ندارد، دیگر تعارضی میان اصول لفظیه پیش نمی آید.

بنابراین، اگر در یک مورد خاص، بخواهیم اصالة الاطلاق یا اصالة العموم یک آیه را در برابر خبری که با علم اجمالی ثابت شده جاری کنیم، این جریان، با جریان اصالة الاطلاق یا اصالة العموم در آیه ای دیگر معارض نخواهد بود؛ زیرا ما آن علم اجمالی کلی - که بگوید یکی از این جریان ها حتماً باطل است - را نداریم تا مانع از جریان اصول لفظیه شود. چون تعارضی در کار نیست، می توان به اصالة العموم یا اصالة الاطلاق در آن مورد خاص تمسک کرد و آن را بر خبر ثابت با علم اجمالی مقدم داشت.

پس در پاسخ به مرحوم خویی گفته می شود: اینکه فرمودید «ما علم اجمالی به ورود مخصصات و مقیدات زیادی برای آیات و روایات قطعی داریم و این امر موجب تعارض و تساقط اصول لفظیه می شود»، صحیح است؛ زیرا ما علم اجمالی نداریم که مخصصات و مقیدات قطعی برای آیات و روایات قطعی، بیش از آن مقداری باشد که به دست ما رسیده است.

بله؛ ممکن است علم اجمالی به ورود مخصصات دیگر داشته باشیم؛ اما آن مخصصات مربوط به عمومات و اطلاقاتی هستند که خودشان قطعی الصدور نیستند.

این پاسخ استاد شهید بود که البته به نظر، جواب متقنی است. جواب دیگری نیز برای این اشکال وجود دارد که ان شاء الله بحث آن را روز جلسه آینده ادامه خواهیم داد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین